

## بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده

### Value Orientation and Cultural Change in the Family

T. Azad Armaki, Ph.D. ✉

دکتر تقی آزادارمکی ✉

استاد جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

M. Zahiri, Ph.D.

دکتر مصطفی ظهیری‌نیا

عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۴/۳۰

پذیرش مقاله: ۸۹/۶/۱۵

#### Abstract

Values are considered the most powerful determinant factor in the cultural and social system of societies and play a crucial role in explaining, controlling, directing and predicting individuals' acts. They also determine and direct the way people orient, act and interact with each other. Therefore, based on Ronald Ingleheart's theory of value transformation and other theories, the present paper intends to examine the conditions of people's value orientation in the population investigated in order to investigate cultural changes in Bandarabbasian citizens.

#### چکیده:

ارزش‌ها نقشی اساسی در تبیین، کنترل، هدایت و پیش‌بینی کنش‌های افراد ایفا می‌کنند و شیوه جهت‌گیری، کنش و تعامل آن‌ها را نسبت به سایر افراد تعیین و هدایت می‌کنند. بنابراین با توجه به اهمیت ارزش‌ها در تعیین و هدایت رفتار و تعاملات اجتماعی در جامعه، بررسی موضوع این مقاله به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی مانند شهر بندرعباس، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این مقاله در صدد است با بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به تغییرات فرهنگی، ضمن شناخت وضعیت سنخ‌های ارزشی در بین اعضای خانواده ایرانی (والدین و فرزندان)، به بررسی تغییرات فرهنگی در خانواده بپردازد.

✉Corresponding author: Dept. of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran.

Tel: 021-61117892

Email: [tazad@ut.ac.ir](mailto:tazad@ut.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران،

گروه جامعه‌شناسی

تلفن: ۰۲۱۶۱۱۷۸۹۲

پست الکترونیکی: [tazad@ut.ac.ir](mailto:tazad@ut.ac.ir)

The data for this study were obtained from 393 questionnaires completed by parents and children in the city of Bandarabbas through direct interview method. The analysis of the data revealed that respondents (both parents and children) had material value orientation. Thus, it may be concluded that people give higher priority to material values. Furthermore, the results show that younger individuals, compared to older ones, give more priority to Meta material values. Hence, according to the findings of this study, it seems that people prefer material values and their value priority is more inclined toward this kind of values. Moreover, it appears that the province of Hormozgan is still experiencing the hard dimension of development and it is still far away from soft dimension of development.

**Key Words:** value orientation, cultural change, family, Bandarabbas city.

داده‌های این تحقیق با تکمیل ۳۹۳ پرسشنامه (۲۰۰ نفر والدین و ۱۹۳ نفر فرزندان) به روش مصاحبه حضوری، از خانوارهای ساکن در شهر بندرعباس، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از بررسی وضعیت سنخ‌های ارزشی، نشان می‌دهند که هم والدین و هم فرزندان، ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند. همچنین نتایج نشان داد، میزان رضایت از زندگی، تعامل اجتماعی و احساس خوشبختی فرزندان، بیشتر از والدین است و در مقابل والدین بیشتر به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی توجه دارند. این مسئله احتمالاً به دلیل تأکید بیشتر والدین بر ارزش‌های سنتی، مذهبی و خانوادگی باشد که خود نیز، تحت تأثیر شرایط اجتماعی شدن افراد در دوران اولیه زندگی‌اشان است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، به دلیل برآورده نشدن نیازهای اولیه افراد در هر دو گروه از پاسخگویان (والدین و فرزندان)، اولویت‌های ارزشی بیشتر به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارد. در واقع علی‌رغم ظهور و نمود بُعد سخت توسعه در جامعه آماری، بُعد نرم توسعه (تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب) هنوز تحقق نیافته است.

**کلیدواژه‌ها:** سنخ‌های ارزشی، تغییرات فرهنگی، خانواده

## بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده

### The Effect of Developmental Idealism on the Gap between Mothers and Daughters in their Attitudes towards Marriage and Family

Z. Kazemi, M.A. ✉

زهرا کاظمی ✉

مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور میانه

دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۱۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۷/۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۱۵

#### Abstract

The aim of this article is to study the effect of developmental idealism on the gap between the attitudes of mothers and their daughters towards marriage and family. This research is a survey carried out via a self-administered questionnaire completed by 400 female students and their mothers in Tabriz University. A statistical sample was selected using "Proportional Stratified Sampling" method. Findings reveal that there is a noticeable gap between mothers and their daughters attitudes towards marriage and family.

#### چکیده:

این مقاله بر آن است ضمن شناخت نگرش دختران و مادران نسبت به ازدواج، خانواده و شکاف بین آنها، تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای را بر این شکاف بررسی کند. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با کمک پرسشنامه خود ایفا بر روی ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر مادران آنها) از دانشجویان دختر دانشگاه تبریز انجام گرفته است. برای گزینش نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین نگرش مادران و دختران آنها شکاف قابل توجهی وجود دارد.

✉Corresponding author: Dept. of Social Sciences, Payam Nour University, Miyaneh, Eastern Azarbayejan.

Tel: +98-09143234253

Email: [Zahrazazemi\\_mehr@yahoo.com](mailto:Zahrazazemi_mehr@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: آذربایجان شرقی، میانه، دانشگاه پیام‌نور، گروه علوم اجتماعی

تلفن: ۰۹۱۴۳۲۳۴۲۵۳

پست الکترونیکی: [Zahrazazemi\\_mehr@yahoo.com](mailto:Zahrazazemi_mehr@yahoo.com)

Mothers are more traditional in their attitudes toward the preferred age for marriage, husband selection, separation and divorce, favourable marriage conditions, decision-making ability in the family, family relations and favourable conditions of child-bearing. However, their daughters show more modern attitudes. Developmental idealism is found to have a direct and positive effect on the gap between mothers, and their daughters, attitudes towards marriage and family: an increase in the developmental idealism results in a more modern personal attitude.

**KeyWords:** developmental idealism, gap between mothers and daughters in their attitudes, marriage and family.

نگرش مادران نسبت به سن مطلوب ازدواج، نحوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، ارتباطات خانوادگی و مطلوبیت فرزندآوری، سنتی است و دختران نسبت به این شاخص‌ها نگرش مدرن دارند. همچنین آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر این شکاف نگرشی بین مادران و دختران تأثیر مستقیم و مثبت دارد و با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در بین افراد، مدرن‌تر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آرمان‌گرایی توسعه‌ای، شکاف نگرش بین مادران و دختران، خانواده و ازدواج

بررسی جامعه‌شناختی فاکتورهای زمینه‌ساز خانواده و مدرسه در  
گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر

**A Sociological Study of Base Factors of Family and School  
in the Tendency of Teenage Girls toward Sexually Deviant  
Behavior and Addiction**

A. Aminian, M. A. ✉

✉ اعظم امینیان

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

S. M. Seyed Mirzayi, Ph.D.

دکتر سیدمحمد سید میرزایی

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۴  
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۵/۹  
پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۲۷

**Abstract**

Nowadays, teenagers' abnormal behavior is an important problem in the field of pathology. Family plays an important role in the society's institutions. It internalizes conformity with social norms, acceptable in the society, in children and teenagers through the establishment of educational and behavioral models. If families can't transfer to and institutionalize in their children these social norms, their

**چکیده:**

رفتارهای نابهنجار نوجوانان، امروزه مسئله عمده‌ای در حوزه آسیب‌شناسی به شمار می‌رود. خانواده جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد که از طریق پایه‌ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را در کودکان و نوجوانان درونی می‌سازد. همچنین نقش مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های مورد قبول در جامعه، بر همگان آشکار است. تعلقات خاطر نوجوانان نسبت به مدرسه و مشارکت

✉Corresponding author: Dept. of Sociology, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran  
Tel: +9809155216645  
Email: [aminiyan\\_ma\\_o2@yahoo.com](mailto:aminiyan_ma_o2@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی  
تلفن: ۰۹۱۵۵۲۱۶۶۴۵  
پست الکترونیکی: [aminiyan\\_ma\\_o2@yahoo.com](mailto:aminiyan_ma_o2@yahoo.com)

children's behaviors will not be in conformity with established social norms, and will hence be considered abnormal. The role of schools is evident in transferring acceptable social norms and values. Teenagers' affiliation with schools, and their participation in school activities are important factors in their deviant behavior.

This research is an attempt to review and study different approaches, but mainly the sociological approach, in this field. It uses the survey method, randomly choosing 426 teenage girl students between 14 and 18 years of age in the city of Tehran to study a sample of Iranian society. Applying the multivariable regression method, the research shows that each one of these variables would separately have a noticeable effect on research dependent variables. As a whole, most of the independent variables had significant relations with the dependent variables. Therefore, the research model was confirmed by the results of the study.

**KeyWords:** family, school, teenage girls, tendency to deviant behavior.

آنان در فعالیتهای مدرسه، از عوامل مؤثر بر کژرفتاری نوجوانان است. بر این اساس و با توجه به نقش حائز اهمیت دو نهاد مذکور، هدف اصلی این تحقیق، شناخت میزان اثر نهادهای خانواده و مدرسه بر گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر در میان دختران نوجوان می‌باشد.

پژوهش حاضر سعی نموده است ضمن مرور و توجه به رویکردهای مختلف این حوزه، با رویکردی جامعه‌شناختی و با روش پیمایش (انتخاب ۴۲۶ نفر از دانش‌آموزان نوجوان دختر ۱۴ تا ۱۸ سال در تهران بزرگ)، نمونه‌ای از جامعه ایران را مورد مطالعه قرار دهد. برای تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که فاکتورها و متغیرهای خانواده و مدرسه هر کدام به‌طور مجزا بر متغیرهای وابسته تحقیق، اثرات قابل توجهی دارند. در مجموع، میان اکثر متغیرهای مستقل تحقیق با متغیرهای وابسته مورد نظر، رابطه معناداری مشاهده شد و بنابراین، نتایج حاصل از آزمون‌های رگرسیونی، مدل نظری تحقیق را تأیید نمود.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، مدرسه، دختران نوجوان، گرایش به کژرفتاری.

## رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان

### The Relationship Between Parenting Style and Addiction Susceptibility in Children

A. Zeinali, Ph.D. ✉

R. Vahdat, M. A.

K. Garadingeh, M. A.

دکتر علی زینالی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

رقيه وحدت

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

خاور قره دینگه

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۲۳

پذیرش مقاله: ۸۹/۸/۲۹

#### Abstract

The aim of this study is to determine the effect of parenting style on the prediction of Addiction Susceptibility (AS) in children. The present study plans to investigate whether different parenting styles lead to shaping various addiction susceptibility in children. Participants were 304 single male and female students of Islamic Azad University at Khoy Branch. Participants were between 19 and 26 years of age and were chosen using Stratified Random Sampling method.

#### چکیده:

هدف از مطالعه حاضر تعیین تأثیر نوع سبک والدینی در پیش‌بینی میزان استعداد اعتیاد فرزندان است. به این منظور پژوهش حاضر قصد دارد بررسی کند، آیا سبک‌های والدینی مختلف به شکل‌دهی استعداد متفاوت برای اعتیاد در فرزندان می‌انجامد؟ شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۰۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی خوی بودند که دامنه سنی بین ۱۹ تا ۲۶ سال داشتند و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Islamic Azad University; Khoy Branch, Khoy, Iran.  
Tel: +9809143409171  
Email: [zeinali@iaukhoy.ac.ir](mailto:zeinali@iaukhoy.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: خوی، بلوار ولایت فقیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۹۱۴۳۴۰۹۱۷۱  
پست الکترونیک: [zeinali@iaukhoy.ac.ir](mailto:zeinali@iaukhoy.ac.ir)

Data were gathered using the addiction susceptibility questionnaire-student version (ASQ-SV) and the parenting style questionnaire (PSQ). Data were analyzed using multiple regression and partial correlation. The results show that paternal and maternal authoritative parenting style (PS) has a negative and significant relationship with children's AS. Authoritative PS is a reverse and significant predictor of children's AS. Father's and mother's authoritarian PS has a positive and significant relationship with their children's AS. Authoritarian PS is a direct and significant predictor of children's AS. Parents' neglectful PS has also a positive and significant relationship with children's AS. Mother's neglectful PS is a direct and significant predictor of children's AS. Father's neglectful PS, however, is not a significant predictor of children's AS. Permissive PS does not show a significant relationship with children's AS. The present study introduces authoritative PS as the most efficient style in terms of reducing AS and authoritarian and neglectful PS as the most inefficient styles in terms of increasing AS. Thus, Parents training should be the main goal of drug demand reduction program (DDRP).

**KeyWord:** addiction susceptibility, parenting style, children.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استعداد اعتیاد- ویراست دانشجویان ASQ-SV و پرسشنامه سبک‌های والدینی PSQ بود. داده‌های حاصل از شرکت‌کنندگان در پژوهش به وسیله رگرسیون چندمتغیری و ضریب همبستگی تفکیکی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند، سبک والدینی مقتدر پدر و مادر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار آن است. سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار آن است. سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد. سبک والدینی بی‌اعتنای مادر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار آن است اما سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی‌کننده معنادار آن نیست. سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد. پژوهش حاضر سبک والدینی مقتدر را به عنوان کارآمدترین سبک از نظر کاهش استعداد اعتیاد و سبک‌های والدینی بی‌اعتنا و مستبد را به عنوان سبک‌های ناکارآمد از نظر افزایش استعداد اعتیاد در فرزندان معرفی می‌نماید و آموزش به والدین را در این زمینه جزء اهداف اصلی برنامه‌های کاهش تقاضای مصرف مواد می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** استعداد اعتیاد، سبک‌های والدینی، فرزندان



## نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دو جانبه زوجین\*

### Iranian Couples Interaction Coding System

*M. S. Sadeghi, Ph.D.*

*M. A. Mazaheri, Ph.D.*

*F. Motabi, Ph.D.*

✉ دکتر منصوره السادات صادقی

دکترای روان‌شناسی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۴/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۱

#### Abstract

This article introduces the Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS), which is an observational method for evaluating the quality of couple's interactions. The coding system was based on the Specific Affect Coding System. Problem-solving, decision making and reviewing conversation about a shared pleasure event in the past interactions of 31 distressed and non-distressed couples were videotaped. Findings showed that the ICICS is a reliable and valid measure of Iranian couples' interactions. Results from this study reveal an association to exist between ICICS and

#### چکیده:

هدف از این پژوهش معرفی نظام کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دوجانبه زوجین ایرانی است که به بررسی کیفیت و کمیت تعامل در زوجین می‌پردازد. در این مطالعه نظام کدگذاری مشاهده‌ای بر اساس چندین نظام کدگذاری از جمله نظام کدگذاری مخصوص عاطفه (SPAFF) انجام شده است و نوارهای ویدئویی از ۳۱ زوج سازگار و ناسازگار (۱۶ ناسازگار)، که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، در چند مرحله از تعامل زوجین که شامل حل مسئله، تصمیم‌گیری و صحبت در مورد خاطره خوب قبلی می‌باشد، گرفته شد.

\*این مقاله با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱۲۹۹۰۲۳۸۷

پست الکترونیکی: [m\\_sadeghi@sbu.ac.ir](mailto:m_sadeghi@sbu.ac.ir)

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Tel: +98021-29902387

Email: [m\\_sadeghi@sbu.ac.ir](mailto:m_sadeghi@sbu.ac.ir)

marital satisfaction; i.e. the higher the positive interaction of couples in the ICICS, the more the marital satisfaction is. Results of the discriminant analysis also show that ICICS can predict marital satisfaction and dissatisfaction with high degree of accuracy using the positive and negative interactions.

The ICICS has 23 codes: 15 negative codes, 1 code for neutral affect, and 7 positive codes for each person to assess the verbal and nonverbal behaviors of both speakers and listeners. 11 codes out of 15 negative codes are similar to other coding systems ("Disgust", "Contempt", "Belligerence", "Domineering", "Criticism", "Anger", "Tension", "Tense Humor", "Defensiveness", "Sadness", and "Stone-walling"). However, several categories were introduced into the ICICS which either have not been reported in previous (Western) studies, or have not been considered of importance to be in a different code or category. For instance, quality of communication about "Family-of-Origin" plays a very important role in distinguishing between distressed and non-distressed Iranian couples. Other codes that were added to this system include "Family Contempt"; such as "Contempt, Criticize, Disagreement and Disputing toward each other families", "Contempt toward her/him self", "Condemning the Relationship", and "Gender Rules". Positive codes include positive codes in other coding systems as well as using "We" to talk about couples as a unit in their relationship. This study highlights the importance of cultural components, especially the importance of family ties, in Iran.

**KeyWords:** Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS), family of origin, culture.

هم چنین زوجین پرسشنامه سازگاری زناشویی (MAT) را نیز تکمیل نمودند. نتایج بررسی داده‌ها با تحلیل نتایج پایایی ملاک، پایایی بین مشاهده-گران، بررسی رابطه نمرات MAT و نمره تعاملات مثبت و منفی در زوجین سازگار و ناسازگار و نیز تحلیل تشخیصی نشان داد که نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای تعاملات زوجین ICICS ابزاری معتبر و رواست. نتایج نشان دادند که نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی شامل ۲۳ کد تعاملی است: ۱۵ کد تعاملی منفی، ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت. ۱۱ کد از ۱۵ کد تعاملی منفی شبیه سایر نظام‌های کدگذاری در مطالعات متعدد است. این کدها شامل تنفر، اهانت، کج خلقی، سلطه‌گری، انتقاد، عصبانیت، تنش، شوخی عصبی، دفاعی رفتار کردن و غمگینی و دیوار سنگی است. کدهای تعاملی منفی که در این مطالعه معرفی شدند شامل ۴ زمینه اصلی از قبیل «خانواده»، «اهانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» می‌باشند. البته در این زمینه ها ۱۱ زیرکد نیز شناسایی شدند. در تعاملات مثبت رد و بدل شده بین زوجین نیز کاربرد کلمه «ما» جزء زمینه معرفی شده در این مطالعه است که کد مربوط به آن گفتن کلمه ما زوجین در مورد روابط-شان می‌باشد. سایر کدها که مشابه کدهای مطالعات دیگر است، شامل علاقه برای رابطه، تصدیق و تأیید کردن، عاطفه، شوخی، شگفت‌زده کردن و خودافشایی است. در تفسیر یافته‌های فوق به نقش بااهمیت خانواده اصلی و تأثیر آن بر زندگی زوجین ایرانی و نیز برجسته کردن تفاوت‌های فرهنگی در گویه‌های ایرانی اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نظام کدگذاری مشاهده‌ای تعاملات زوجین ایرانی، خانواده اصلی، فرهنگ

## بررسی اثربخشی روش ارتباط محاوره‌ای در افزایش سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار\*

### The Impact of Transactional Analysis Method on Increasing Marital Compatibility of Incompatible Couples

E. Danesh, Ph.D. ✉

دکتر عصمت دانش ✉

روانشناس بالینی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۳/۱۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۲۰

#### Abstract

The aim of this research is to determine the effect of the Transactional Analysis (T.A.) Method in increasing marital compatibility of incompatible couples. The method design applied is one of quasi experimental. 16 married couples (32 wives and husbands) were chosen randomly amongst 54 couples who volunteered to participate in a pre-test/ post-test design purposefully. Then they were matched on their scores and were assigned randomly to experimental and control groups.

#### چکیده:

هدف این پژوهش تعیین اثربخشی روش تحلیل ارتباط محاوره‌ای در افزایش سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار است. روش پژوهش شبه آزمایشی، با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و نمونه‌گیری به شیوه در دسترس با جایگزینی تصادفی می‌باشد. بدین منظور از میان ۵۴ زوجی که از طریق اطلاعیه‌ای داوطلب شرکت در این پژوهش بودند، ۱۶ زوج (۳۲ زن و شوهر) به روش تصادفی انتخاب و پس از ردیف کردن نمراتشان، هم‌تا شدند و به طور تصادفی به دو گروه - آزمایش و گواه - تقسیم شدند. زوج‌های گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۲ ساعته هفتگی شرکت کردند.

\*برگرفته از طرح مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی

✉Corresponding author: Dept. of Psychology,  
Faculty of Psychology and Education, Shahid  
Beheshti University, Tehran, Iran  
Tel: +98261-3405400  
Email: [esmat-danesh@yahoo.com](mailto:esmat-danesh@yahoo.com)

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده  
روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۲۶۱۳۴۰۵۴۰۰  
پست الکترونیک: [esmat-danesh@yahoo.com](mailto:esmat-danesh@yahoo.com)

The couples in the experimental group participated in 10 weekly sessions, each lasting for 2 hours.

The measurement instrument used in this research was Spanier's 32-item dyadic adjustment scale (DAS, 1976), which was performed individually in an accurate controlled condition in the pre-treatment, post-treatment and follow up stages. The data were analyzed using analysis of variance with repeated measurement design, the independent t-test, and drawing graphs. Results indicated that the TA method increased marital compatibility, dyadic satisfaction, dyadic cohesion, dyadic consensus and affectional expression of the experimental group couples compared to the pre-treatment condition and to the control group. It is then concluded that T.A., emphasizing self-knowledge and activating behaviors derived from "adult ego", is an effective intervening method for removing marital disagreements and improving adjustment between incompatible couples.

**KeyWords:** compatibility, incompatibility, marriage, transactional analysis.

ابزار پژوهش مقیاس ۳۲ سؤالی سازگاری دو عضوی اسپانیر (DAS) بود که در مرحله قبل و بعد از درمانگری و دو ماه بعد از درمان در مرحله پیگیری به طور انفرادی در شرایط کنترل شده در مورد هر دو گروه اجرا شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر، آزمون t مستقل و رسم نمودار تحلیل شد. یافته‌ها نشان دادند روش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، سازگاری زناشویی، رضایت دونفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت زن و شوهرهای گروه آزمایش را نسبت به قبل از درمانگری و نسبت به گروه گواه افزایش داده است. نتیجه‌گیری تحلیل ارتباط محاوره‌ای با تأکید بر خودشناسی و با فعال کردن رفتارهای منبعث از «حالت من بالغ» روش مداخله‌ای مؤثری برای حل اختلاف‌های زناشویی و افزایش سازگاری در زوجین ناسازگار است.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل ارتباط محاوره‌ای، زناشویی، سازگاری، ناسازگاری

## تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد - نوجوان در دختران دوره راهنمایی شهر تهران

### The Impact of Anger Management Training on Anger Self-Regulation Skills and Parent- Adolescent Conflicts in Female Adolescents of Junior High (Guidance) Schools in Tehran

*M. Aboui Mehrizi, M. A.*

*K. Tahmassian, Ph.D.*

*A. Khosh Konesh, Ph.D.*

✉ محبوبه ابویی مهریزی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر ابوالقاسم خوش کنش

استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۵/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۳/۲۹

پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۱۸

#### Abstract

The aim of this study is to examine the impact of anger management training on anger self-regulation skills and parent- adolescent conflicts in girl adolescents of Tehran. In this study, a pretest-posttest design with a control group was used. The population of the study was all 6<sup>th</sup> and 7<sup>th</sup> grade girls at schools in the city of Tehran. A sample of 30 students was selected from two schools in Tehran and was assigned to two control and experimental groups.

#### چکیده:

در راستای لزوم آموزش مهارت‌های «مدیریت هیجانی»، این پژوهش با عنوان «تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد - نوجوان دوره راهنمایی شهر تهران» انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش مدیریت خشم برای گروه معینی از دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی و ارزشیابی اثربخشی آن بر افزایش مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و کاهش تعارضات دختران نوجوان در ارتباط با والدینشان است.

✉Corresponding author: Counseling Dept., Faculty of Psychology and Education Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-44710480  
Email: [mehrizi\\_m@yahoo.com](mailto:mehrizi_m@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۷۱۰۴۸۰  
پست الکترونیکی: [mehrizi\\_m@yahoo.com](mailto:mehrizi_m@yahoo.com)

Two questionnaires measuring trait and state anger and parent-adolescent conflicts were administered. Then, the anger management program including ten 90-minute sessions on a weekly basis was delivered to the experimental group. During the course of the sessions, one student in the experimental group dropped out and was excluded from the study. A matched member in the control group also was excluded and the sample size was reduced to 28 students. Both groups completed the questionnaires again. The results of the research revealed that there was a significant difference between the two groups ( $\alpha = 0.05$ ), in terms of anger self-regulation skills and parent-adolescent conflicts. In other words, anger management training increased anger self-regulation skills and decreased conflicts between parents and adolescents.

**KeyWords:** anger management training, anger self-regulation skills, parent-adolescent conflicts.

در این موقعیت پژوهشی، از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان دختر پایه‌های اول و دوم دوره راهنمایی شهر تهران تشکیل می‌دهند. ابتدا ۳۰ دانش‌آموز از طریق نمونه‌گیری در دسترس از دو مدرسه غیرانتفاعی دوره راهنمایی دخترانه شهر تهران انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. پس از مشخص شدن گروه‌های آزمایش و کنترل، برنامه آموزش مدیریت خشم به عنوان عامل آزمایشی، در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و به صورت هفتگی بر گروه آزمایش اعمال گردید. در اواسط دوره یکی از دانش‌آموزان گروه آزمایش به دلیل غیبت حذف گردید و با حذف یکی از اعضای گروه کنترل، نمونه پژوهش به ۲۸ دانش‌آموز رسید. در پایان از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار این پژوهش شامل دو پرسشنامه بیان صفت و حالت خشم و راهبردهای تعارض است و هر دو از روایی و پایایی خوبی برخوردارند. یافته‌های این تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد - نوجوان در سطح ۰/۰۵ معنادار بود. نتیجه‌گیری نهایی این است که آموزش مدیریت خشم، مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم را افزایش داده و موجب کاهش تعارضات والد - نوجوان می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش مدیریت خشم، مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم، تعارضات والد - نوجوان